

نوع مقاله: ترویجی

رابطه مسجد با امور مالی و اقتصادی در آیات قرآن کریم

srjafarifard74@gmail.com

mhhabib.67@gmail.com

h.hasanzadehisu.ac.ir

سیدرضا جعفری فرد / دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

محمدهادی حبیب‌اللهی / دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت مالی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین حسن‌زاده سروستانی / استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

چکیده

در اسلام مسجد به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه برای برپایی نماز، عبادت خداوند، اقامه ذکر الهی و اجتماع مسلمانان به‌حساب می‌آید. مسجد علاوه بر کارکردهای عبادی و تبلیغی، دارای کارکردهای اجتماعی دیگری است. یکی از کارکردهای اجتماعی متصور برای مسجد، کارکردهای اقتصادی است. بعد از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، توجه به جایگاه مسجد افزایش یافته و به تبع آن فعالیت‌های مالی و اقتصادی با محوریت مسجد در حال گسترش است. این در حالی است که نسبت مسجد و امور مالی و اقتصادی به‌خوبی مورد تبیین قرار نگرفته و امکان مسجدمحوری در امور اقتصادی با ابهام و تردید جدی مواجه است. در پژوهش حاضر، این پرسش که «آیا ارتباطی بین مسجد با امور مالی و اقتصادی وجود دارد؟» با روش تدبر قرآن به قرآن و با راهبرد مسئله‌محور، به محضر قرآن کریم عرضه شده و سعی در یافتن پاسخ این پرسش شده است. در پژوهش حاضر با بررسی و تدبر در آیات مرتبط با مسئله پژوهش، در چهار مرحله به شواهد ارتباطی بین مسجد و امور اقتصادی پرداخته شده و اهمیت و محوریت مسجد در امور مالی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که براساس آموزه‌های قرآن کریم در مورد رابطه بین مسجد، نماز و ذکر الهی با امور مالی و اقتصادی می‌توان به چهار گزاره (۱) «عدم مغایرت و تضاد بین امور مالی و اقتصادی و مسجد، نماز و ذکر الهی»؛ (۲) «تأکید بر عدم غفلت از نماز و ذکر الهی در امور مالی و اقتصادی»؛ (۳) «مؤثر بودن نماز و ذکر الهی در امور مالی و اقتصادی»؛ (۴) «اهمیت و محوریت مسجد در امور مالی و اقتصادی» اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: مسجد، ذکر، نماز، اقتصاد، مال، قرآن.

مقدمه

این دو مقوله با امور مالی و اقتصادی کمک شایانی به روشن تر شدن ارتباط بین مسجد و امور مالی و اقتصادی خواهد کرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که کارکرد مالی و اقتصادی مسجد به‌عنوان پایگاه اصلی برپاداشتن ذکر الهی چه میزان مورد تأیید دین اسلام است؟ آیا اساساً اسلام رابطه‌ای بین مسجد، نماز و ذکر الهی و امور مالی و اقتصادی قائل است یا این دو مقوله، اموری منفک و جدای از یکدیگر هستند و ربط و نسبت و تأثیری بر یکدیگر ندارند؟ یکی از روش‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق رجوع به قرآن کریم و تدبر در آیات مربوط به این موضوع است. در ادامه به توضیح روش تحقیق تدبر در قرآن کریم و نحوه کاربست آن خواهیم پرداخت و سپس نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق آورده خواهد شد.

پیشینه بحث

پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه، در سه دسته کلی قابل طبقه‌بندی هستند: دسته اول صرفاً به بررسی اقتصاد از نگاه قرآن و یا بررسی یک موضوع اقتصادی براساس قرآن پرداخته شده است؛ دسته دوم از پژوهش‌ها، به بررسی دیدگاه قرآن در مورد مسجد، نماز و یا ذکر الهی پرداخته‌اند؛ دسته سوم از پژوهش‌ها، از جنبه‌های اخلاقی و معنوی به موضوعات اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم پرداخته‌اند. در دسته اول از پژوهش‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

انصاری (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «هبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم» اشاره می‌کند که اصول اقتصاد سالم و رشد یابنده از دیدگاه قرآن کریم شامل شناخت و تدبیر امور اقتصادی از راه نفقه، تعقل، اعتقاد به توحید، اعتقاد به معاد، اعتقاد به مظهری از عبودیت بودن عملیات اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، عدالت در عملیات اقتصادی و تزکیه است.

غضنفری و محمدی‌نبدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم»، راهکارهای توسعه اقتصادی را در دو دسته معنوی (انفاق، تأثیر تقوا در توسعه اقتصادی، نفی سیل کفار بر مسلمین) و مادی (تشویق به تولید، فراوانی منابع دنیا، توسعه اقتصادی، تشویق به صنعت و تکنولوژی) مورد شرح و بررسی قرار داده‌اند.

کهنوجی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد در قرآن» مطرح

مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه برای عبادت خداوند و اقامه نماز محسوب می‌شود؛ درعین حال آموزه‌های اسلامی و تاریخ جوامع اسلامی از صدر اسلام تاکنون نشان می‌دهد که مسجد تنها یک «نمازخانه» نیست؛ بلکه به‌عنوان اصلی‌ترین محل اجتماع مسلمانان دارای کارکردهای متنوعی از جمله کارکردهای عبادی، تبلیغی، فرهنگی و هنری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، ارزشی، تربیتی، علمی، آموزشی، گفتمان و مشاوره، قضایی، بهداشتی، درمانی، نظامی، حکومتی و... است. به‌نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین کارکردهای مسجد که در عصر جدید با گسترش نهادهای مالی و اقتصادی متعارف مورد بی‌توجهی و فراموشی قرار گرفته است، کارکرد اقتصادی آن است.

مقوله مسجد در اسلام ارتباط وثیقی با دو مفهوم نماز و ذکر الهی دارد. نماز عالی‌ترین جلوه ذکر الهی در بین اعمال عبادی انسان و مسجد به‌عنوان اصلی‌ترین نماد تمدنی برای برپایی نماز و ذکر الهی است. قرآن کریم در آیه ۱۱۴ سوره «بقره»، ظالم‌ترین انسان‌ها را آنهایی می‌داند که مانع از برپایی ذکر الهی در مسجد می‌شوند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...». همچنین در آیه چهلیم سوره «حج» خداوند حکیم در توصیف مسجد و به‌عنوان اصلی‌ترین کارکرد آن «يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» را به کار می‌برد.

همچنین قرآن کریم در مورد ارتباط نماز و ذکر الهی در آیه چهاردهم سوره «طه»، ذکر الهی را به‌عنوان اصلی‌ترین هدف اقامه نماز به تعبیری کارویژه آن معرفی می‌کند: «... وَ أَقِيمِ الصَّلَاةَ لِيَذْكُرُوا». در تأیید همین مفهوم، خداوند حکیم در آیه ۴۰ سوره «عنکبوت»، پس از بیان اثر بازدارندگی نماز از فحشا و منکر، به اثر بزرگ‌تر و اصلی‌تر آن که ذکر قلبی است، اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلْيَذْكُرُوا اللَّهَ أَكْبَرًا». در آیه نهم سوره «جمعه» نیز خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «ای مؤمنان، چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به‌سوی ذکر خدا بشتابید». منظور از ذکر الهی در این آیه همان نماز است که به دلیل ارتباط وثیق این دو مفهوم، ذکر الهی به‌جای نماز به کار رفته است.

بنابراین با توجه به ارتباط وثیق بین مسجد، نماز و ذکر الهی، جهت تبیین نسبت مسجد و امور مالی و اقتصادی بر مبنای آیات قرآن کریم ناگزیر هستیم که نسبت دو مفهوم نماز و ذکر الهی با امور مالی و اقتصادی را نیز بررسی کنیم؛ زیرا در نظر گرفتن نسبت

رحیمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «نماز در قرآن و سیره معصومین (ع)» مطرح می‌کند که نماز بدون شک یکی از مهم‌ترین فرایضی است که اسلام بدان سفارش کرده و بر آن تأکید می‌کند؛ تا جایی که می‌گویند قیامت اولین مسئله‌ای که از انسان سؤال می‌شود، نماز است. بی‌گمان، نماز بهترین وسیله برای سازندگی و سیر و سلوک به سوی خداوند متعال و هسته بنیادین حرکت تکاملی به سوی والاترین هدف انسانیت و جامعه نمونه بشری است.

مروتی و ساکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم» به این نتیجه می‌رسند که واژه کانونی «ذکر» در قرآن با واژگان بسیاری همچون اهل کتاب، تورات، قرآن و صلاة بر محور جانیشینی در یک حوزه معنایی و بر محور همنشینی با واژه‌هایی مانند تقوا، رسول، کتاب و صلاة در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرد. در این میان، یکی از مهم‌ترین واژه‌هایی که با ذکر، هم رابطه جانیشینی و هم رابطه همنشینی دارد، صلاة است.

موسوی‌مقدم و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی براساس نمازهای اصلی آن در قرآن و حدیث» بیان می‌دارند که نهاد مسجد بیان‌کننده کارکردهایی به مراتب فراتر از صرف محل عبادت بودن آن (به معنای خاص عبادت فردی) است. این نهاد، از طریق اثرگذاری مستقیم بر عناصر هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت، سبب تولید و توزیع سرمایه اجتماعی می‌شود.

توکلی و سجادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «آثار تربیتی فردی و اجتماعی نماز در قرآن کریم» مطرح می‌کنند که آثار تربیتی قرآن در بعد فردی شامل آرامش و بهداشت روان، پیش‌گیری از افسردگی، پیش‌گیری از بیماری‌های اخلاقی، غفلت‌زدایی، پرورش فضائل اخلاقی و تکامل معنوی و در بعد اجتماعی شامل گسترش روحیه جمعی، ایجادکننده تصویر ایمانی، تنبیه‌کننده منافقان و متمایزکننده منافق از مؤمن می‌شود.

شرفی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نقش محوری نماز در تعالی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم» به این نتیجه می‌رسد که نماز با ملاحظه آداب و شرایط آن، نقش محوری در فرهنگ‌سازی و تعالی فرهنگی در بین انسان‌ها و بخصوص جوامع اسلامی دارد و در دین اسلام، همه اهداف فرهنگی از قبیل اخلاص و یک‌رنگی، تعاون و همکاری، ایثار و انفاق، جهاد و شهادت؛ امر به معروف و نهی از منکر؛

می‌کند که نظام اقتصادی اسلام در قرآن دارای چهار اصل ایجابی: فعالیت اقتصادی، توزیع مجدد ثروت، قرض‌الحسنه و مدیریت لایق اقتصادی و چهار اصل سلبی: ربا، بیماری‌های اقتصادی، اکل مال به باطل و افراط و تفریط است.

هادوی‌نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «رفتارشناسی اقتصادی انسان مادی‌گرا از دیدگاه قرآن کریم» به این نتیجه می‌رسد که در حوزه تولید، مسئله ربا با توجه به فراگرد انگیزشی، شاخص‌ترین تفاوت است. درباره مصرف نیز، تجمل‌گرایی یکی از ویژگی‌هایی است که قرآن کریم درباره رفتار مصرفی انسان مادی‌گرا مطرح می‌کند.

عسکری‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رفتارهای اقتصادی در آموزه‌های قرآن کریم» به تأثیر و نقشی که آموزه‌های قرآن در اصلاح رفتارهای نادرست اقتصادی و نیز تثبیت رفتارهای درست دارند، اشاره می‌کند.

عربشاهی کریمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر اقتصاد اسلامی و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم» به این نتیجه می‌رسد که گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد عبارت‌اند از: نقش انسان در سنت خوشبختی و بدبختی، گوارایی زندگی بدون هوای نفس، تفاوت انسان از نظر استعداد، توکل عامل کفایت الهی، نقش انسان در باری‌رسانی الهی، رویگردانی از یاد خدا عامل سختی و تنگی معیشت، تکامل و پیشرفت در گرو تحمل سختی‌ها، همراهی سختی با آسانی، ریزش نعمت‌ها عامل عذاب برای جامعه ناصالح، نیاز انسان به آبادانی و عمران و اصل عدم اطمینان از پیامدهای فعالیت‌های کنونی.

رجایی و محمدیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی توزیع ثروت و درآمد در قرآن کریم: نگاه مقایسه‌ای؛ مقدمه‌ای بر الگوی توزیع اقتصاد مقاومتی» مطرح می‌کنند که انسان مکلف است در هر فعالیت اقتصادی از امکانات استفاده بهینه کرده؛ در برابر خداوند، هموعان خویش و طبیعت مسئول است و زمینه کمال و سعادت خویش را از طریق انجام درست این مسئولیت فراهم می‌کند.

در دسته دوم از پژوهش‌ها که به بررسی دیدگاه قرآن در مورد مسجد، نماز و یا ذکر الهی پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خادمی (۱۳۸۵) در یادداشتی با عنوان «مسجد آرمانی از منظر قرآن کریم» به تعدادی از اوصاف ثبوتی و سلبی مسجد براساس آیات قرآن کریم پرداخته است.

عفاف و حجاب؛ نظم و انضباط اجتماعی، برابری و برادری و همچنین فرهنگ تربیت دینی بر پایه نماز بنا نهاده شده است.

دسته سوم از پژوهش‌ها که به جنبه‌های اخلاقی و معنوی موضوعات اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

ایروانی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث» پس از اثبات رابطه اخلاق با اقتصاد و نقد مبانی جدایی آن دو، مهم‌ترین عناصر اخلاق اقتصادی را در سه بخش تولید، توزیع و مصرف را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ملک‌افضلی و یزدان‌شناس (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «سودگرایی و معنویت در اقتصاد اسلامی با رویکرد آیات الاحکامی قرآن کریم» به این نتیجه می‌رسند که اقتصاد اسلامی از اخلاق و معنویت جدا نیست.

غفورزاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «معیار اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی از دید آیه‌های اقتصادی قرآن کریم» مطرح می‌کند که روح حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی باید فضیلت‌گرایی به معنای داشتن حسن فاعلی و رعایت اعتدال در امور اقتصادی قرار گیرد و باید وظیفه‌گرایی نتیجه‌گرا به معنای ملتزم بودن به دستورهای الهی در زمینه اقتصادی و در عین حال توجه داشتن به نتیجه‌های سنت‌های اقتصادی قرآنی مدنظر فعالان اقتصادی قرار گیرد.

خوشحال دستجردی و کاظمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جایگاه رزق در قرآن و بازتاب آن در عرفان اسلامی» به این نتیجه می‌رسند که ذکر و یاد خداوند به عنوان یکی از مهم‌ترین عبادات اسلامی، نقش مهمی در تکامل معنوی انسان به عهده دارد و به همین علت، خداوند در قرآن، آیات متعددی را درباره آن نازل کرده است. جایگاه رفیع ذکر در عرفان اسلامی نیز تا حد بسیاری تحت تأثیر آیات و احادیثی است که عظمت و ارزش این عمل عبادی را بیان می‌کند. بسیاری از عرفا، اهمیت و ارزش ذکر و آثار و برکات آن را برای سالکان طریق حق، تبیین کرده، آنها را بر مداومت بر آن فرامی‌خوانند.

خادم‌علیزاده و غفورزاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در زمینه چارچوب‌های اقتصاد اثباتی در قرآن کریم (مطالعه موردی: چارچوب گزاره‌های اثباتی پیشرفت مادی و معنوی» را مطرح می‌کنند که با توجه به تفاوت مبانی معرفت‌شناسی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، برخی از گزاره‌های اثباتی براساس کارکرد علل مجرد قابل توجیه است و با نگرش صرفاً مادی نمی‌توان آن را توجیه کرد.

خاکپور و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات» به این نتیجه می‌رسند که انفاق با تقویت وجدان اجتماعی و روحیه همدلی با ایفای نقش تقویتی، در کنار ایجاد الفت و گسترش تعاملات انسانی که به نقش تکاملی نام‌بردار است و نیز با درمان بیماری‌های بخل و مال دوستی و سایر نقش‌های دیگر، تأثیر بالایی در ارتقای سلامت معنوی فرد و جامعه دارد.

فتحعلیانی و حسینی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد اسلامی (شاخص‌های زمینه‌ساز در اخلاق اقتصادی بر مبنای قرآن و نهج‌البلاغه)» مطرح می‌کنند که شاخص‌های زمینه‌ساز جهاد اقتصادی شامل ایمان و رعایت تقوای الهی، وجود اخلاق اقتصادی، توجه دقیق توأم با ایمان به قاعده نفی سبیل، تعاون و همکاری سازنده، پرهیز از کسب درآمدهای حرام، انفاق اموال و شکر گذاری، قرض الحسنه، عدالت، توجه به عبادت بودن کار، توجه به قراردادهای معاملات، پیشگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و استفاده بهینه از منابع موجود برای مصرف است.

بررسی کامل پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده به این سؤال که «آیا ارتباطی بین مسجد، نماز و ذکر الهی و امور مالی و اقتصادی وجود دارد؟» پرداخته نشده است. همچنین در اغلب پژوهش‌های صورت‌گرفته از روش پژوهش قرآنی منسجمی که با راهبرد مسئله‌محور به دنبال یافتن پاسخ مشخصی از قرآن باشد، استفاده نشده است. نوآوری مقاله حاضر این است که از طرفی سؤال مشخص فوق محضر قرآن عرضه‌شده و هم از روش تحقیق قرآن به قرآن و با راهبرد مسئله‌محور بهره گرفته شده است.

در این پژوهش از روش تحقیق تدبر در قرآن با رویکرد قرآن به قرآن و با راهبرد مسئله‌محور استفاده شده است. در روش تدبر در قرآن با رویکرد قرآن به قرآن، تلاش می‌شود که آیات قرآن با کمک قرآن فهم شوند و با قرار دادن آیات در کنار هم، برداشتی صحیح از آنها صورت گیرد (طباطبائی، ۱۳۷۸، مقدمه، ص ۱۸). مبنای روش تدبر این است که زبان قرآن، شناختاری و عقلایی است؛ اما قرآن در کنار رعایت عرف عقلا، ساختار و عرف ویژه‌ای نیز تأسیس کرده که برای فهم آن بیش از همه باید به خود قرآن رجوع کرد (قربانی و نجارزادگان، ۱۳۹۰).

با وجود جایگاه قابل توجه حدیث در دین‌شناسی، در روش قرآن به قرآن، براساس نظریه «اصالت قرآن و حجیت حدیث» عمل

۱. تدبر و تحلیل آیات قرآن کریم

با بررسی و تدبر در آیات قرآن کریم و با دسته‌بندی آیات مشخص شد که قرآن کریم از یازده وجه قائل به ارتباط بین مسجد، نماز، ذکر الهی و امور اقتصادی و مالی است. با دسته‌بندی این وجوه، چهار گزاره اصلی به دست می‌آید. گزاره‌های اصلی که نتیجه تدبر و تحلیل آیات قرآن کریم است، عبارت‌اند از:

۱-۱. عدم مغایرت پرداختن به امور مالی و اقتصادی

با مسجد، نماز و ذکر الهی

الف) هم‌سنخ و هم‌تراز بودن امور مالی و اقتصادی غیرانتفاعی و امور مربوط به مسجد و نماز

در آیات متعددی از قرآن کریم در کنار مطرح‌شدن اموری که مربوط به نماز، عبادت و مسجد است، مسائل مالی و اقتصادی مطرح شده است. در اغلب این آیات، «برپاداشتن نماز»، «عبادت کردن»، «سجده کردن»، «رکوع به‌جا آوردن» و «دعا کردن» در کنار «انفاق کردن از روزی»، «پرداختن زکات»، «احسان کردن»، «بخشیدن مال»، «قرض دادن»، «کار خیر انجام‌دادن»، «اطعام کردن» و «قربانی کردن» به کار رفته است. در قرآن ۳۲ بار از زکات یاد شده که ۲۸ بار آن در کنار نماز بیان شده است.

براساس آیات فوق مشخص می‌شود که در دین اسلام، رابطه نزدیکی بین امور معنوی و مادی وجود دارد و خداوند حکیم در آیات متعددی بلافاصله پس از مطرح کردن مسائل عبادی، مانند نماز و دعا، به مسائل مادی پرداخته است و آنها را به‌نحوی بارها در کنار هم مطرح می‌کند؛ که به نظر می‌رسد قصد دارد هم‌تراز بودن این دو مقوله (عبادت خداوند و پرداختن به فرایض و مستحبات مالی) و جداناپذیر بودن آنها را بیان کند. به عبارت دیگر، خداوند حکیم با بیان این دو مقوله در کنار هم، قصد دارد تا اهمیت پرداختن به واجبات و مستحبات مالی را ثابت کرده و به مردم بفهماند عبادت و یاد خداوند بدون توجه به واجبات و مستحبات مالی و بدون در نظر گرفتن مسائل مالی و اقتصادی دینی بی‌نتیجه بوده و مورد رضایت الهی نیست.

در تفاسیر، مؤیدات زیادی در مورد نکات فوق وجود دارد. در تفسیر آیه ۸۳ سوره «بقره» آمده است: «نماز و رابطه با خداوند، از زکات و رابطه با فقرا جدا نیست. «أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ». اعتقاد به توحید، احسان به والدین و ایتم و مساکین، همراه با دستور

می‌شود. این نظریه قائل است به اینکه قرآن به صورت مستقیم قابل فهم و تفسیر است و از این جهت وابسته و نیازمند حدیث نیست (مهریزی، ۱۳۸۲). در نهایت پیوند معنایی آیات قرآن است که ناشی از انسجام متن قرآن و تأکیدی بر وثاقت متن قرآن است و یکی از وجوه اعجاز قرآن را آشکار می‌سازد (قربانی و نجارزادگان، ۱۳۹۰).

در راهبرد مسئله‌محور در تدبر قرآن کریم، پژوهشگر با یک سؤال به قرآن کریم مراجعه کرده و با استفاده از کل آیات قرآن سعی در پاسخ‌دادن به آن مسئله دارد. در این روش محقق ممکن است از کلیدواژه‌های قرآنی، آیات، سیاق‌ها، سوره‌ها و حتی داستان‌های قرآنی بهره بگیرد؛ ولی به هیچ‌کدام محدود نبوده و به صورت جامع باید از همه آنها استفاده کند (لطیفی، ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر، یک مسئله و پرسش مشخص به قرآن عرضه گردیده است: «آیا ارتباطی بین مسجد و امور مالی و اقتصادی وجود دارد؟» برای پاسخ به این پرسش، ابتدا از کلیدواژه‌های قرآنی استفاده شده است. به دلیل تعدد آیات مرتبط با امور مالی و اقتصادی در قرآن کریم در شروع کار از ریشه و واژه‌های مرتبط با مسجد بهره گرفته شد. ابتدا با استفاده از ریشه کلمات صلو (دعا کردن، نماز خواندن)، سجد (سجده کردن) و رکع (رکوع کردن)، در آیات قرآن جست‌وجو شد. در این مرحله ۱۶۸ آیه قرآن کریم احصاء شد. در حین جست‌وجوی اولیه، این نتیجه حاصل شد که دو کلیدواژه ذکر (یاد کردن) و عبد (پرستش کردن) نیز می‌تواند به مجموعه کلیدواژه‌های قبلی اضافه شود؛ البته با این دقت که آیات به دست آمده با این کلیدواژه نزدیک به مفهوم مسجد و نماز باشد. در این مرحله تعداد آیات به ۲۳۶ آیه رسید. در ادامه با تدبر در آیات مذکور ۶۳ آیه که در آنها مباحث اقتصادی و مالی در کنار امور مربوط به مسجد، نماز و ذکر الهی مطرح شده بود، انتخاب شده و با تدبر در آنها و سپس رجوع به تفاسیر برای آوردن مؤید برای تدبرهای صورت‌گرفته، پژوهش حاضر ادامه یافت. در نهایت نیز با رجوع به کل آیات قرآن کریم، دقت شد تا مفهومی در مورد این مسئله جا نیفتاده باشد که در این مرور آیه‌ای به مجموعه آیات اضافه نشد. در رجوع به تفاسیر برای بررسی مؤیدات از سه اثر گران‌بهای ترجمه تفسیر *المیزان*، *تفسیر نمونه* و *تفسیر نور* بهره گرفته شده است.

پرداخت زکات و برخورد نیکو با مردم، و بپاداشتن نماز، نشانه جامعیت اسلام است». یا در ذیل آیه ۱۷۷ سوره «بقره» مطرح شده است که «ارتباط با خدا در کنار ارتباط با مردم و تعاون اجتماعی در حوادث و گرفتاری‌ها مطرح است: «أَمِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ» (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۰).

در تفسیر آیه سوم سوره «انفال» در توصیف رابطه تنگاتنگ نماز و انفاق به‌عنوان دو رکن از ارکان دین مطرح می‌شود که «آنها در یرتو احساس مسئولیت و درک عظمت پروردگار و همچنین ایمان فزاینده و بلندنگری توکل، از نظر عمل دارای دو پیوند محکم اند؛ پیوند و رابطه نیرومندی با خدا و پیوند و رابطه نیرومندی با بندگان خدا «آنها کسانی هستند که نماز را (که مظهر رابطه با خداست) برپا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم در راه بندگان خدا انفاق می‌کنند» «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۸۸).

وقتی ایمان به حد کاملش در دل مستقر گردید، قهراً انسان به سوی عبودیت معطوف گشته و پروردگار خود را به خلوص و خضوع عبادت می‌کند و این عبادت همان نماز است. به‌علاوه، به سوی اجتماع نیز معطوف گشته حوائج اجتماع خود را برآورده می‌کند و نواقص و کمبودها را جبران می‌کند، و از آنچه خدا ارزانی‌اش داشته از مال و علم و غیر آن انفاق می‌کند؛ و آیه «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» همین معنا را می‌رساند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۱).

مطرح شدن دو رکن اساسی دین، یعنی «برپاداشتن نماز» و «انفاق کردن و پرداختن زکات» در آیات متعددی در کنار هم، نه‌تنها نشان‌دهنده عدم مغایرت و تضاد نماز و امور مالی و اقتصادی است؛ بلکه از ارتباط وثیق و غیرقابل انکار این دو حکایت دارد.

ب) انفاق کردن امیر مؤمنان در نماز

یکی از آیات ویژه‌ای که در آن مسئله برپاداشتن نماز و پرداختن زکات در کنار هم مطرح شده است، آیه ولایت است. در آیه ۵۵ سوره «مائده»، خداوند حکیم در تبیین اینکه چه کسی حق ولایت بر مردم دارد، می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را

برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

در کتاب *تفسیر برهان* و کتاب *غایة المرام* از شیخ صدوق روایت می‌کند که او در ذیل آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» از *ابن الجارود* از حضرت ابی‌جعفر ع روایت می‌کند که فرمود: طایفه‌ای از یهود مسلمان شدند از آن جمله *عبدالله بن سلام*، *اسد*، *ثعلبه*، *ابن یامین* و *ابن‌صوری* بودند که همگی خدمت رسول خدا ص عرض کردند: یا نبی‌الله، حضرت موسی ع وصیت کرد به *یوشع‌بن نون* و او را جانشین خود قرار داد؛ وصی شما کیست یا رسول‌الله؟ و بعد از تو ولی و سرپرست ما کیست؟

در پاسخ این سؤال این آیه نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ». آنگاه رسول خدا ص فرمود برخیزید، همه برخاسته و به مسجد آمدند، مرد سائل و فقیری داشت از مسجد به طرف آن جناب می‌آمد، حضرت فرمود: ای مرد آیا کسی به تو چیزی داده؟ عرض کرد: آری، این انگشتر را یک نفر همین اکنون به من داد، حضرت پرسید چه کسی؟ عرض کرد آن مردی که مشغول نماز است، پرسید در چه حالی به تو داد؟ عرض کرد در حال رکوع؛ حضرت تکبیر گفت. اهل مسجد همه تکبیر گفتند، حضرت رو به آن مردم کرد و فرمود: پس از من علی ع ولی شماست؛ آنان نیز گفتند ما به خداوندی خدای تعالی و به نبوت محمد ص و ولایت علی ع راضی و خشنودیم؛ آنگاه این آیه نازل شد: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ» (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۲).

بعضی از متعصبان در مورد مفهوم این آیه ایراد کرده‌اند که علی ع با آن توجه خاصی که در حال نماز داشت و غرق در مناجات پروردگار بود (تا آنجاکه معروف است پیکان تیر از پایش بیرون آوردند و توجه پیدا نکرد)، چگونه ممکن است صدای سائلی را شنیده و به او توجه پیدا کند؟ و در پاسخ باید گفته شود که آنها که این ایراد را مطرح می‌کنند، از این نکته غفلت دارند که شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن، توجه به خویشتن نیست؛ بلکه عین توجه به خداست. علی ع در حال نماز از خود بیگانه بود، نه از خدا؛ و می‌دانیم بیگانگی از خلق خدا بیگانگی از خداست و به تعبیر روشن‌تر، پرداختن زکات در نماز، انجام عبادت در ضمن عبادت است؛ نه انجام یک عمل مباح در ضمن عبادت؛ و باز به تعبیر دیگر آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و

يَعْلَمُ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنید و کسانی که چنین کنند، زیانکاران اند. از آنجاکه یکی از عوامل مهم نفاق، حب دنیا و علاقه افراطی به اموال و فرزندان است؛ در این آیات که آخرین آیات سوره «منافقین» است، مؤمنان را از چنین علاقه افراطی باز می‌دارد. درست است که اموال و اولاد از مواهب الهی هستند؛ ولی تا آنجاکه از آنها در راه خدا و برای نیل به سعادت کمک گرفته شود؛ اما اگر علاقه افراطی به آنها سدی در میان انسان و خدا ایجاد کند، بزرگ‌ترین بلا محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۴، ص ۱۷۲). «ذِكْرِ اللَّهِ» شامل همه گونه ذکر و یاد خدا می‌شود؛ اما بارزترین ذکر خدا نماز است که باید مراقب بود رسیدگی به اموال و اولاد، انسان را از نماز باز ندارد (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۶۲).

بنابراین این دو آیه بیانگر این است که امور مالی و اقتصادی نباید مانع ذکر الهی و نماز باشند و باید به گونه‌ای تنظیم شوند که نه تنها باعث غفلت انسان‌ها نمی‌شوند؛ بلکه زمینه مناسب را برای استمرار ذکر الهی در درون انسان و برپاداشتن نماز در جامعه فراهم کنند.

ب) بازداشتن از یاد خدا و نماز؛ دلیل حرمت قمار

خداوند حکیم در آیه ۹۰ سوره «مائده» خطاب به مؤمنان به تبیین پلیدی و حرمت شراب و قمار پرداخته و در جهت رستگاری مؤمنان، از آن برحذر می‌دارد. در ادامه در آیه ۹۱ برای مشخص کردن علت پلیدی شراب و قمار می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟

قمار به‌عنوان یک رابطه و قرارداد مالی محسوب می‌شود که در آن طرفین معامله با راحت‌طلبی به دنبال کسب سود هستند و در نتیجه این قرارداد یا همه یا هیچ، نصیب یکی از طرفین می‌شود. قرآن کریم در بیان یکی از علت‌های حرمت قمار به بازداشتن آن از ذکر الهی و از نماز اشاره می‌کند. لذا در هر قرارداد مالی بازماندن از یاد الهی و نماز یک اصل اساسی است و اگر روح حاکم بر یک قرارداد یا رابطه مالی به گونه‌ای باشد که مانند قمار، انسان را غافل کند، مورد نهی قرار می‌گیرد.

شخصی است و اما توجه به آنچه در مسیر رضای خداست، کاملاً با روح عبادت سازگار است و آن را تأکید می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۲۸).

در تفسیر این آیه آمده است که در قرآن معمولاً نماز و زکات در کنار هم مطرح شده است؛ ولی در این آیه، هر دو به هم آمیخته‌اند (دادن زکات در حال نماز): «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». برای توجه به محرومان، نماز هم مانع نیست: «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آری، فقیر نباید از جمع مسلمانان دست خالی برگردد). توجه به خلق برای خدا در حال نماز، با اقامه نماز منافات ندارد: «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۰). انفاق کردن امیرمؤمنان علی^ع در رکوع نشان می‌دهد که امور مالی و اقتصادی اگر در راه خدا و برای رضای او باشد، هیچ تضاد و تعارضی با مسجد و نماز ندارد و همان‌گونه که نماز جلوه ذکر الهی است؛ اگر انفاق برای رضای خداوند و در راه او باشد، امری معنوی به حساب می‌آید و می‌تواند در بین نماز و در خانه خدا محقق شود.

۱-۲. تأکید بر عدم غفلت از نماز و ذکر الهی در امور مالی و اقتصادی

الف) امور اقتصادی نباید باعث غفلت از یاد خدا شود
خداوند حکیم در آیه ۳۷ سوره «تور» حکایت از کسانی می‌کند که تجارت و خرید و فروش باعث غفلت آنها از یاد الهی و از نماز نمی‌شود و می‌فرماید: «رَجُلٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَنْعَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَلَقَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»؛ مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیوررو می‌شود. توجه به این امر ضروری است که نمی‌فرماید آنها مردانی هستند که به‌سوی تجارت و بیع نمی‌روند؛ بلکه می‌گوید تجارت و بیع آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۸۳). بنابراین ترک تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است (مردان خدا برای زندگی دنیوی تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند) (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۹۲).

همچنین آیه ۹ سوره «منافقون» خطاب به اهل ایمان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ»

۱-۳. مؤثر بودن نماز و ذکر الهی در امور مالی و اقتصادی

الف) نماز مانع مفاسد مالی

قرآن کریم در آیات ۹۵-۸۴ سوره «هود» به بیان داستان قوم حضرت شعیب^ع پرداخته است. در آیات ۸۶-۸۴ حضرت شعیب^ع پس از دعوت به عبودیت خداوند، از مفاسد اقتصادی که قوم او به آن دچار بوده است، آنها را بازداشته و رزق پاک الهی را بهتر می‌داند. آیه ۸۷ در مورد جواب قوم حضرت شعیب^ع به او می‌فرماید: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»؛ گفتند: ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می‌خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟ تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی.

در مورد اینکه چرا قوم حضرت شعیب روی نماز ایشان تکیه کردند، بعضی از مفسران گفته‌اند این امر به دلیل آن بوده که شعیب بسیار نماز می‌خواند و به مردم می‌گفت: نماز انسان را از کارهای زشت و منکرات بازمی‌دارد؛ ولی جمعیت نادان که رابطه میان نماز و ترک منکرات را درک نمی‌کردند، از روی مسخره به او گفتند: آیا این او را و حرکات تو فرمان به تو می‌دهد که ما سنت نیاکان و فرهنگ سنتی خود را زیر پا بگذاریم و یا نسبت به اموالمان مسلوب‌الاختیار شویم؟ بعضی نیز احتمال داده‌اند که «صلاة» اشاره به آئین و مذهب است؛ زیرا آشکارترین سمبل دین نماز است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۲۰۷).

قوم حضرت شعیب^ع گفتند: آنچه تو از ما می‌خواهی که پرستش بت‌ها را ترک کرده و نیز به دلخواه خود در اموالمان تصرف نکنیم، چیزی است که نمازت تو را بر آن وادار کرده و آن را در نظرت زشت و مشوه جلوه داده؛ پس درواقع نماز تو اختیاردار تو شده و تو را امر و نهی می‌کند، و اینکه تو خیال کرده‌ای خودت هستی که از ما می‌خواهی چنان بکنیم و چنین نکنیم، اشتباه است؛ این نماز توست که می‌خواهد ما چنین و چنان کنیم؛ درحالی که نه تو مالک سرنوشت مایی و نه نمازت؛ زیرا ما در اراده و شعور خود آزادیم (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۴۶).

به نظر می‌رسد، قوم حضرت شعیب با هر قصد و نیتی که بر نماز تکیه کردند و آن را عامل نهی از شرک و فساد مالی دانسته باشند، در صورتی که صحبت آنها اشتباه بود، لازم بود خداوند سبحان به

قرینه کلامی یا حالی از اشتباه بودن آن پرده برمی‌داشت تا از فهم اشتباه آیه و گمراهی مردم جلوگیری کند؛ ولی مشخص است که نه حضرت شعیب^ع در آیه بعد اعتراضی به این سخن می‌کند و نه خداوند حکیم برهانی در نفی آن در آیات بعد مطرح می‌کند. بنابراین این سخن قوم حضرت شعیب^ع از نظر مفهومی صحیح بوده و این نماز و ذکر الهی است که مانع شرک و مانع مفاسد مالی می‌شود.

ب) زندگی سخت، نتیجه اعراض از ذکر الهی

خداوند حکیم در آیه ۱۲۴ سوره «طه»، در مقابل تبعیت کنندگان هدایت الهی، به انسان‌هایی که از یاد خدا رویگردان شده‌اند، اشاره کرده و در توصیف آنها می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ و هرکس از یاد من رویگردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم.

گاه می‌شود درهای زندگی به روی انسان بکلی بسته می‌شود و دست به هر کاری می‌زند با بن بست روبه‌رو می‌گردد؛ و گاه بعکس، به هر جا روی می‌آورد، خود را در برابر درهای گشوده می‌بیند؛ مقدمات کار فراهم است و بن بست و گره ای در برابر او نیست. از این حال به وسعت زندگی و از اولی به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می‌شود. منظور از «معیشت ضنک» که در آیات بالا آمده نیز همین است.

و اگر فرمود: کسی که از ذکر من اعراض کند «معیشتی ضنک» دارد؛ برای این است که کسی که خدا را فراموش کرده و با او قطع رابطه کند، دیگر چیزی غیر دنیا نمی‌ماند که وی به آن دل ببندد و آن را مطلوب یگانه خود قرار دهد، و در نتیجه همه کوشش‌های خود را منحصر در آن کند و فقط به اصلاح زندگی دنیایش بپردازد و روز به روز آن را توسعه بیشتری داده، به تمتع از آن سرگرم شود؛ و این معیشت، او را آرام نمی‌کند، چه کم باشد و چه زیاد. برای اینکه هرچه از آن به دست آورد به آن حد قانع نگشته و به آن راضی نمی‌شود و دائماً چشم به اضافه‌تر از آن می‌دوزد؛ بدون اینکه این حرص و تشنگی‌اش به جایی منتهی شود. پس چنین کسی دائماً در فقر و تنگی به سر می‌برد و همیشه دلش علاقه‌مند به چیزی است که ندارد؛ صرف‌نظر از غم و اندوه و قلق و اضطراب و ترسی که از نزول آفات و روی آوردن ناملایمات و فرارسیدن مرگ و بیماری دارد و صرف‌نظر از اضطرابی که از شر حسودان و کید

تنگی زندگی در هر جامعه‌ای دوری از ذکر الهی و نماز است و همان‌طور که آورده شد، این تنگی قطعاً به معیشت دنیایی انسان هم مرتبط است. بنابراین ذکر الهی و نماز بر امور مالی و اقتصادی جامعه مؤثر بوده و همان‌طور که رویگردانی از ذکر الهی موجب سختی در معیشت می‌شود؛ برپایی ذکر الهی و نماز (بزرگ‌ترین جلوه ذکر) موجب راحت‌تر شدن امور اقتصادی جامعه می‌شود.

ج) نماز واقعی؛ مانع حرص، بخل و منع خیر

خداوند حکیم در آیات ۱۹-۲۱ سوره «معاذ» به بیان ویژگی‌های غریزی انسان از نظر اقتصادی و مالی پرداخته و می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا» «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» «وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا»؛ به‌یقین انسان حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او رسد، مانع دیگران می‌شود (و بخل می‌ورزد). در ادامه در آیات ۲۲-۲۵، پس از بیان این ویژگی‌های انسانی که برخاسته از بعد دنیایی و حیوانی انسان است، گروهی از انسان‌ها را مستثنا دانسته و می‌فرماید: «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» «لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ».

خداوند نیروها و غرایز و صفاتی در انسان آفریده است که اینها بالقوه وسیله تکامل و ترقی و سعادت او محسوب می‌شوند؛ بنابراین صفات و غرایز مزبور ذاتاً بد نیست، بلکه وسیله کمال است؛ اما هنگامی که همین صفات در مسیر انحرافی قرار گیرد، و از آن سوءاستفاده شود، مایه نکبت و بدبختی و شر و فساد خواهد بود. فی‌المثل همین حرص نیرویی است که به انسان اجازه نمی‌دهد به‌زودی از تلاش و کوشش باز ایستد، و با رسیدن به نعمتی سیر شود. این یک عطش سوزان است که بر وجود انسان مسلط است. اگر این صفت در مسیر تحصیل علم و دانش به کار افتد، و انسان حریص در علم و یا به تعبیر دیگر تشنه و عاشق بی‌قرار علم باشد، مسلماً مایه کمال اوست؛ اما اگر در مسیر مادیات به کار افتد، مایه شر و بدبختی و بخل می‌گردد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۵، ص ۲۹).

بنابراین براساس آیات فوق، واضح است صفتی که انسان را از حرص، کم‌طاقتی و بخل بازمی‌دارد و زمینه استفاده از غرایز بالقوه در مسیر تعالی انسانی را فراهم می‌کند، اهل نماز بودن است. به عبارت دیگر، «طبع مادی انسان به‌سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و

دشمنان دارد؛ پس او دائماً در میان آرزوهای برآورده نشده، و ترس از فراق آنچه برآورده شده، به سر می‌برد.

درحالی‌که اگر مقام پروردگار خود را می‌شناخت و به یاد او بود و او را فراموش نمی‌کرد، یقین می‌کرد که نزد پروردگار خود حیاتی دارد که آمیخته با مرگ نیست و ملکی دارد که زوال‌پذیر نیست و عزتی دارد که مشوب با ذلت نیست و فرح و سرور و رفعت و کرامتی دارد که هیچ مقیاسی نتواند اندازه‌اش را تعیین کند و یا سرآمدی آن را به آخر برساند؛ و نیز یقین می‌کند که دنیا دار مجازات است و حیات و زندگی دنیا در مقابل آخرت پیشیزی بیش نیست. اگر او این را بشناسد، دلش به آنچه خدا تقدیرش کرده، قانع می‌شود و معیشتش هرچه باشد برایش فراخ گشته، دیگر روی تنگی و ضنک را نمی‌بیند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۱۵).

البته تا اینجا سخن از فرد بود؛ هنگامی که به جامعه‌هایی که از یاد خدا روی گردانده‌اند وارد شویم، مسئله از این وحشتناک‌تر خواهد بود؛ جوامعی که علی‌رغم پیشرفت شگفت‌انگیز صنعت و علی‌رغم فراهم بودن همه وسایل زندگی، در اضطراب و نگرانی شدید به‌سر می‌برند و در تنگنای عجیبی گرفتارند و خود را محبوس و زندانی می‌بینند. همه از هم می‌ترسند؛ هیچ کس به دیگری اعتماد نمی‌کند؛ رابطه‌ها و پیوندها همه بر محور منافع شخصی است؛ بار تسلیحات سنگین به‌خاطر ترس از جنگ، بیشترین امکانات اقتصادی آنها را در کام خود فرو برده و پشت‌هایشان زیر این بار سنگین خم شده است (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۳۲۹).

در روایات، رهاکردن خط ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام یا ترک کردن فریضة حج، مصداق اعراض از یاد خدا شمرده شده است (قرآنتی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۰۴). اما با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن و با توجه به آیاتی نظیر: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (من الله هستیم؛ معبودی جز من نیست؛ مرا بپرست و نماز را برای یاد من به‌پادار) و «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده، تلاوت کن و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید. قطعاً نماز یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های ذکر الهی محسوب می‌شود.

بنابراین ثابت می‌شود که یکی از اصلی‌ترین دلایل سختی و

آن باشد. گویا مسجد با ویژگی‌هایی که دارد، می‌تواند مال را از آسیب‌های متعددی که پیش‌تر اشاره شد، محفوظ بدارد. بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که مسجد باید چنان قابلیت داشته باشد که بتواند مدیریت اموال مردم را بر عهده گیرد و با سازوکارهایی که قرار می‌دهد، دنیا و آخرت مؤمنان را تضمین کند.

ب) پرداختن زکات؛ وظیفه متولیان مسجد

آیات ۱۷-۱۹ سوره «توبه» به موضوع آبادانی مسجد و افرادی که شایستگی متولی آبادانی مسجد شدن را دارند، می‌پردازد. در آیه ۱۷ در وصف افرادی که لیاقت آبادانی مسجد را ندارند، می‌فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»؛ مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند؛ درحالی‌که به کفر خویش گواهی می‌دهند؛ آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند. سپس در آیه ۱۸ در معرفی افرادی که مسجد فقط توسط آنها آباد می‌شود، می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند. در نهایت نیز در آیه ۱۸ در توصیف غیرقابل‌قیاس بودن آبادکنندگان ظاهری مسجد و ساقیان مسجدالحرام که برای خود شأن بالایی قائل هستند و اهل ایمان و جهاد که آبادکنندگان واقعی مسجد هستند، می‌فرماید: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجدالحرام را همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او جهاد کرده است؟! (این دوه) نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند.

بنابراین با توجه به آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت که آبادکنندگان واقعی مسجد کسانی نیستند که در حال شرک و بی‌ایمانی به آبادانی ظاهری مساجد و رونق بخشی به آن می‌پردازند و بعضاً چنان در بناکردن مساجد و آراسته کردن آن زیاده‌روی می‌کنند که برای مردم یک «خدای کاخ‌نشین» را به تصویر

یاد خدا آن را مهار می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۱۶). آیات مذکور نشان می‌دهد که برپاداشتن نماز و ذکر الهی می‌تواند در اصلاح امور اقتصاد و مالی جامعه مؤثر بوده و جامعه را از صفات مذموم اقتصادی و مالی چون حرص، بخل و مناع‌الخیر بودن نجات دهد.

۴-۱. اهمیت و محوریت مسجد در امور مالی و اقتصادی

الف) مال خود را هنگام رفتن به مسجد بردارید

خداوند حکیم در آیه ۳۱ سوره «اعراف» خطاب به بنی‌آدم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

همچنین در آیه ۴۶ سوره «کهف» در بیان مواردی که در دنیا زینت محسوب می‌شود، آمده است: «الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَالِيغَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلًا»؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات‌صالحات (ارزش‌های پایدار و شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است. همه نعمت‌های مادی، زینت دنیا هستند؛ ولی مال و فرزند جلوه بیشتری دارد و به همین دلیل نام این دو از میان نعمت‌های بی‌شمار الهی مطرح شده است.

حال با در نظر گرفتن هر دو آیه فوق و با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن می‌توان گفت که «قرآن به مال و فرزند، زینت گفته است؛ بنابراین ممکن است آیه بیانگر این باشد که مال و فرزند خود را هنگام رفتن به مسجد همراه داشته باشید، تا با مال، به حل مشکلات اقتصادی مسلمانان بپردازید و با حضور فرزند در مساجد و جماعات، مشکلات تربیتی نسل آینده را حل کنید» (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۱).

با توجه به امر قرآن کریم به بردن مال به مسجد، می‌توان این نتیجه را گرفت که در امور مالی و اقتصادی در نظام اسلامی مسجد از اهمیت و محوریت خاصی برخوردار بوده و روابط مالی و اقتصادی با محوریت مسجد اگر برای تفاخر و تکاثر نباشد و در جهت رضای الهی و برای حل مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی باشد؛ نه تنها مذموم نیست، بلکه قابل توصیه است.

از طرفی بردن مال به مسجد می‌تواند جهت مصرف و مدیریت

مخالف‌گیری از صفات به‌کاررفته برای مسجد ضرار می‌توان به چهار صفت از صفات اصلی مسجد طراز اسلامی پی برد. مسجدی که روح حاکم بر آن روح ایمان است، مسجدی است که نافع است، باعث تقویت ایمان است، موجب برادری و اتحاد است و پایگاهی برای اجتماع یاران خدا و پیامبرش است.

نافع بودن مسجد می‌تواند از جنبه‌های مختلفی قابل طرح باشد و به‌نظر می‌رسد نافع بودن مسجد تنها در منافع معنوی خلاصه نمی‌شود، بلکه مسجد باید از نظر دنیایی نیز نافع مردم بوده و در جهت رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی مسلمانان مثمرتر باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همان‌طور که مسجد در مسائل عبادی و معنوی از اهمیت و محوریت ویژه‌ای برخوردار است، باید در مسائل اقتصادی و مالی نیز مورد توجه قرار گیرد.

د) تأمین معیشت، مقدمه دعوت به عبادت

در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند حکیم پس از دعوت بندگان به عبادت و نماز، بحث رزق و روزی مطرح کرده و عدم نیاز خود به دریافت روزی از بندگان و روزی‌رسان بودن خود نسبت به بندگان را گوشزد می‌کند. برای مثال در آیه ۱۳۲ سوره «طه»، پس از آنکه در آیه قبل، پیامبر اکرم ﷺ را از نگاه کردن و توجه به متاع دنیایی که به دیگران داده شده است، نهی می‌کند، برای بیان وجه دعوت خانواده به نماز می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست.

در آیات ۵۸-۵۶ سوره «ذاریات» می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت‌م کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)، هرگز از آنها روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند؛ خداوند روزی‌دهنده و صاحب قوت و قدرت است.

جمله «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ» در حقیقت اشاره به غنای پروردگار از هر کس و هر چیز است، و اگر بندگان را به عبودیت خویش دعوت می‌کند برای این نیست که «سودی» کند؛ بلکه می‌خواهد بر آنه «جودی» کند. بعکس مسئله عبودیت در میان

می‌کنند؛ بلکه آبادکنندگان واقعی‌انهایی هستند که ایمان راستین به خداوند و روز قیامت دارند و در عمل به برپایی نماز و پرداخت زکات اهتمام داشته و در راه بندگی خداوند تنها از او بیم دارند. لذا مشخص است که یکی از وظایف متولیان مساجد و تعمیرکنندگان آنها، رسیدگی به محرومان است.

بیان «پرداختن زکات» به‌عنوان وظیفه متولیان مسجد نشان می‌دهد که وظیفه متولیان مسجد تنها تعمیر و مرمت بنای مسجد یا آماده‌کردن شرایط حداقلی برای نماز خواندن نیست؛ بلکه متولیان مسجد باید در جهت رسیدگی به محرومان و پیشرفت جامعه اسلامی از امور مالی و اقتصادی غفلت نکنند و از این طریق آبادکنندگان واقعی مسجد باشند.

ج) مسجد باید نافع مردم باشد

خداوند حکیم در آیه ۱۰۷ سوره «توبه» از مسجدی توصیف می‌کند که مایه زیان، کفر، تفرقه و کمین‌گاه دشمنان خدا و پیامبرش است و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِلُنَّ إِنَّهُمْ لَرَدْنًا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»؛ (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند.

آیه، به داستان مسجد ضرار اشاره دارد که منافقان به بهانه افراد ناتوان و بیمار یا روزهای بارانی، در برابر مسجد قبا مسجدی ساختند که در واقع پایگاه تجمع خودشان بود و از پیامبر در آستانه عزیمت به جنگ تبوک خواستند آنجا نماز بخواند و افتتاح کند. بعد از مراجعت پیامبر ﷺ از تبوک، آیه نازل شد و نیت شومشان را برملا کرد. پیامبر فرمان داد، مسجد را آتش بزنند و ویران کنند و محل آن را زباله‌دان کنند.

مسجد ضرار به‌عنوان یک نمونه از مسجدی است که روح حاکم بر آن، روح نفاق است و قرآن برای آن چهار صفت منفی به کار برده است. اول اینکه باعث زیان است؛ دوم اینکه باعث تقویت کفر است؛ سوم اینکه موجب تفرقه و پراکندگی است و درنهایت، پناهگاهی برای دشمنان خدا و پیامبرش است. به‌نظر می‌رسد با مفهوم

انبیاء: ۶۶؛ فرقان: ۵۵) نیز مفهومی نزدیک به مفهوم ذکر شده در آیات فوق قابل برداشت است. بنابراین می‌توان به صورت کلی به این نکته اشاره کرد که ارتباط وثیقی بین امور معیشتی و اقتصادی و امور معنوی و عبادت وجود دارد و به نوعی در هر سطحی از تبلیغ امور معنوی و دعوت مردم به عبادت باید به مسئله معیشت آنها توجه شود. این نکته همان اندازه که در مورد دعوت یک فرد به عبادت صادق است، در مورد دعوت جامعه نیز صادق بوده و یک حکومت دینی باید در کنار تبلیغ دین، به تأمین معیشت مردم توجه کند و به عنوان مقدمه ارشاد جامعه، تأمین مسائل اقتصادی آنها را مدنظر داشته باشد. این امر در مورد مسجد نیز به عنوان یک پایگاه عبادت و بندگی خداوند نیز صادق است و برای اینکه مسجد از نظر امور معنوی و عبادی آباد باشد و ارشاد مردم و تبلیغ دین در آن به خوبی انجام شود، باید مسجد نسبت به امر معاش مردم بی تفاوت نباشد و برای دعوت عموم مردم به مسجد و عبادت خداوند باید نیازهای معیشتی آنها به مسجد گره خورده و تا حد ممکن در مسجد رفع شود.

نتیجه‌گیری

بررسی کلیدواژه‌ها، آیات، سیاق‌ها، سوره‌ها و داستان‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه عبادت خداوند و اقامه ذکر الهی و نماز با امور مالی و اقتصادی ارتباط وثیقی دارد. خداوند حکیم در آیات متعددی از قرآن کریم، امور اقتصادی و مالی را در کنار امور معنوی، مانند نماز و عبادت مطرح می‌کند. انفاق امیرمؤمنان علیه السلام در نماز که در آیه ولایت مطرح شده است، مؤیدی دیگر بر این امر است. همچنین خداوند، دوری از ذکر الهی و نماز را یکی از دلایل حرمت قمار دانسته و می‌فرماید که امور اقتصادی و مالی نباید مانع از ذکر الهی و نماز شوند و کسی که از ذکر الهی رویگردان باشد، دچار زندگی سخت و تنگ می‌شود. قرآن کریم به مؤمنان توصیه می‌کند که هنگام رفتن به مسجد، مال خود را بردارید و یکی از وظایف متولیان مسجد را حمایت از محرومان می‌داند. براساس آموزه‌های قرآن کریم مسجد باید نافع مردم باشد؛ همان‌گونه که خداوند نیز برای آوردن دلیل بر شایستگی خود برای پرستش، روزی‌رسان بودن خود را مطرح می‌کند و نماز واقعی قطعاً مانع مفاسد مالی و مانع از حرص، بخل و مناع‌الخیر بودن در جامعه اسلامی خواهد بود.

انسان‌ها؛ زیرا بردگان را برای این انتخاب می‌کردند که تحصیل درآمد و رزق روزی برای آنها کند و یا در خانه مشغول خدمت و اطعام و پذیرایی گردد، و در هر دو حال سودش عاید آنها شود، که این ناشی از نیاز و احتیاج انسان است؛ ولی اینها همه درباره خداوند بی‌معناست؛ چراکه نه تنها از همگان بی‌نیاز است؛ بلکه نیاز همگان را از لطف و کرمش تأمین می‌کند و رزاق همه، اوست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۳۸۸).

همچنین در آیه ۱۷ سوره «عنکبوت» می‌فرماید: «إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكَاءً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِنَّهُ تَرْجِعُونَ»؛ شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که به سوی او بازگشت داده می‌شوید. این آیه نشان می‌دهد یکی از اصلی‌ترین دلایل پرستش غیرخدا، رسیدن به نان و نواست: «لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا» و این امر واضح است که غیرخدا، توان روزی دادن ندارند، نه آنکه می‌توانند ولی نمی‌دهند: «لَا يَمْلِكُونَ» نفرمود: «لَا يَرْزُقُونَكُمْ». بنابراین برای اینکه مردم به عبادت خداوند ترغیب شوند، باید از غیرخدا ناامید شوند؛ زیرا تا مردم از غیرخدا مأیوس نشوند، به سراغ خدا نمی‌روند: «لَا يَمْلِكُونَ... فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ». لذا در بحث ارشاد و تبلیغ و برای دعوت مردم به عبادت، باید توجه داشت که ابتدا باید نیازهای مادی و رفاهی را حل کرد، سپس مردم را ارشاد کرد: «فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ» (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۲۵).

همچنین در آیات ۳ و ۴ سوره «قریش» می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ»؛ (به شکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند؛ همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. در این آیات با توجه به اینکه در تعلیل عبادت خداوند، تأمین مسائل اقتصادی و امنیتی مطرح می‌شود، این‌گونه برداشت می‌شود که تا مسائل اقتصادی و امنیتی جامعه حل نشود، نمی‌توان آنان را به عبادت دعوت کرد. بنابراین تأمین معیشت و امنیت جامعه، باید در مسیر بندگی و عبادت خدا باشد (قرآنی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۹۹).

از آیات دیگر قرآن کریم (مانند: مائده: ۷۶؛ یونس: ۱۸؛ نحل: ۹۳؛

قرائتی، محسن، ۱۳۷۴، *تفسیر نور*، قم، مؤسسه در راه حق.

قربانی، اکبر و فتح‌الله نجارزادگان، ۱۳۹۰، «بررسی و تحلیل مبانی تفسیر قرآن به قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان»، *مطالعات تفسیری*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۴۷-۱۶۸.

کهنوجی، مرضیه، ۱۳۹۰، «اقتصاد در قرآن»، *سفیر نور*، ش ۲۰، ص ۱۸۵-۲۰۸.

لطیفی، میثم، ۱۳۹۰، «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۰، ص ۵۵-۲.

مروتی، سهراب و سارا ساکی، ۱۳۹۲، «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم»، *آموزه‌های قرآنی*، ش ۱۷، ص ۱۳۵-۱۵۴.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ملک افضلی، محسن و منیره یزدان‌شناس، ۱۳۹۳، «سودگرایی و معنویت در اقتصاد اسلامی با رویکرد آیات الاحکامی قرآن کریم»، *پژوهش‌های اخلاقی*، سال پنجم، ش ۲، (پیاپی ۱۸)، ص ۱۰۱-۱۲۳.

موسوی‌مقدم، سیدمحمد و مروت محمدی، ۱۳۹۵، «بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی براساس نماگرهای اصلی آن در قرآن و حدیث»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره سوم، ش ۱، ص ۱۳۹-۱۶۲.

مهریزی، مهدی، ۱۳۸۲، «رابطه قرآن و حدیث»، *علوم حدیث*، ش ۲۹، ص ۲-۲۲.

هادوی نیا، علی‌اصغر، ۱۳۹۰، «رفتارشناسی اقتصادی انسان مادی‌گرا از دیدگاه قرآن کریم»، *اقتصاد اسلامی*، سال یازدهم، ش ۴۳، ص ۲۷-۵۴.

منابع.....

انصاری، جعفر، ۱۳۸۲، «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم»، *معرفت*، ش ۶۶، ص ۱۷-۲۵.

ایروانی، جواد، ۱۳۸۳، «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»، *الهیات و حقوقی* (دانشگاه رضوی) (آموزه‌های قرآنی)، سال چهارم، ش ۵، (پیاپی ۱۴)، ص ۹۱-۱۲۰.

توکلی، رسول و سیدجمال‌الدین سجادی، ۱۳۹۷، «آثار تربیتی فردی و اجتماعی نماز در قرآن»، *معرفت*، ش ۲۵۴، ص ۱۳-۲۲.

خادم‌علیزاده، امیر و حسین غفورزاده، ۱۳۹۵، «پژوهشی در زمینه چارچوب‌های اقتصاد اثباتی در قرآن کریم (مطالعه موردی: چارچوب گزاره‌های اثباتی پیشرفت مادی و معنوی)»، *پژوهشنامه معارف قرآنی* (آفاق دین)، سال هفتم، ش ۲۵، ص ۸۸۳-۱۰۱.

خادمی، عین‌الله، ۱۳۸۵، «مسجد آرمانی از منظر قرآن»، *رشد آموزش قرآن*، ش ۱۳، ص ۶۰-۶۳.

خاکپور، حسین و همکاران، (۱۳۹۵)، «نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات»، *تاریخ پزشکی*، سال هشتم، ش ۲۹، ص ۱۳۹-۱۶۴.

خوشحال دستجردی، طاهر و مرضیه کاظمی، ۱۳۹۸، «تحلیل جایگاه ذکر در قرآن و بازتاب آن در عرفان اسلامی»، *پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی*، دوره دوم، ش ۵، ص ۱۵-۴۰.

رجایی، سیدمحمدکاظم و مهدی محمدیان، ۱۳۹۶، «مبانی ثروت و درآمد در قرآن کریم: نگاه مقایسه‌ای؛ مقدمه‌ای بر الگوی توزیع اقتصاد مقاومتی»، *پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، سال دوم، ش ۳، ص ۳۸۹-۳۸۹.

رحیمی، مهتری، ۱۳۸۷، «نماز در قرآن و سیره معصومین»، *بینات*، سال پانزدهم، ش ۳ (پیاپی ۵۹)، ص ۲۳-۴۲.

شریفی، محمد، ۱۳۹۷، «نقش محوری نماز در تعالی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم»، *رهیافت فرهنگ دینی*، سال اول، ش ۳، ص ۲۱-۳۲.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۸، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عربشاهی کریزی، احمد، ۱۳۹۴، «تحلیلی بر اقتصاد اسلامی و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم»، *مطالعات قرآنی*، دوره ششم، ش ۲۳، ص ۸۱-۱۰۰.

عسکرزاده، غلامرضا، ۱۳۹۲، «رفتارهای اقتصادی در آموزه‌های قرآن کریم»، *قرآنی کوثر*، سال سیزدهم، ش ۴۷، ص ۷۳-۸۲.

غضنفری، علی و باب‌الله محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۰، «بررسی توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم»، *معارف قرآنی*، دوره دوم، ش ۷، ص ۱۰۳-۱۲۶.

غفورزاده، حسین، ۱۳۹۴، «معیار اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی از دید آیه‌های اقتصادی قرآن کریم»، *اقتصاد اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۶۰، ص ۲۷-۵۴.

فتحعلیانی، حامد و سیدحمید حسینی، ۱۳۹۷، «اقتصاد اسلامی (شاخص‌های زمینه‌ساز در اخلاق اقتصادی بر مبنای قرآن و نهج‌البلاغه)»، *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، پیاپی ۲۹، ص ۱۱۳-۱۳۴.